

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فِتْنَةُ غَزِه

(ترجمه)

الله سبحانه و تعالی چنین می فرماید:

الْم ﴿١﴾ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ﴿٢﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا
وَلَيَعْلَمَنَّ الْكٰذِبِينَ ﴿٣﴾ [عنكبوت: ١-٣]

ترجمه: الف، لام، میم. آیا مردم پنداشته اند همین که بگویند ایمان آوردیم، رها می شوند و مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟! به یقین کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم تا الله آنان را که راست گفتند بشناسد و دروغگویان را نیز بشناسد.

ابن کثیر در تفسیر این آیه مبارکه می گوید: «مقصود از جمله ی: ﴿ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ﴾ استفهام انکاری است، یعنی الله سبحانه و تعالی حتماً بندگان مؤمن خود را به اندازه ایمانی که دارند می آزمايد؛ همان گونه که در حدیث صحیح چنین آمده است:

«أَشَدُّ النَّاسِ بَلَاءً الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الصَّالِحُونَ، ثُمَّ الْأَمَمُلُ فَأَلَامَمُلُ، يُبْتَلَى الرَّجُلُ عَلَى حَسَبِ دِينِهِ، فَإِنْ كَانَ فِي دِينِهِ صَلَابَةٌ زِيدَ فِي الْبَلَاءِ...» ترجمه: سخت ترین مردم از نظر بلا و آزمایش پیامبران اند، سپس صالحان، سپس کسانی که از نظر دین برترند و به همین ترتیب. انسان به اندازه دینش آزموده می شود؛ اگر در دینش استوار باشد، بر بلا و آزمونش افزوده می شود...

الله سبحانه و تعالی هیچ انسانی را نیافرید، مگر این که به اندازه ایمانش در برابر او فتنه ها و آزمون هایی قرار داد تا روشن گردد چه کسی در برابر این آزمون ها شکیباست و بر الله سبحانه و تعالی توکل می کند تا الله سبحانه و تعالی او را نجات دهد و چه کسی در این امتحان می لغزد. آن که سقوط می کند، در حقیقت به سبب سوء تقدیر و به سبب بی اعتنایی اش به اوامر الله سبحانه و تعالی و سستی ایمانش است.

از جمله فتنه هایی که امروز سراسر امت اسلامی به آن دچار شده، فتنه غزه و آن واقعیتی است که در آن جریان دارد و نیز موضع مسلمانان در برابر این حادثه از شرق تا غرب جهان. بسیاری از مسلمانان – و مقصود ما از مسلمانان، منافقان، متقاضیان عادی سازان روابط با دشمن، بزدلان و همسیران شان نیست – کسانی که چنین می گویند: اگر حماس آنچه کرد انجام نمی داد، این فجایع نیز رخ نمی داد و این کشتار بزرگ در میان مردم غزه به وقوع نمی پیوست و خانه های شان ویران نمی شد و ایشان دچار گرسنگی نمی شدند. زبان حال شان اینست که «آن ها داشتند زندگی شان را می کردند!» گویا انسان مسلمان تنها برای خوردن و تولید نسل آفریده شده است، همانند حیوانات – الله سبحانه و تعالی شما را از چنین قیاسی در امان بدارد – و حال آنکه چنین دیدگاهی نه با واقعیت زندگی مسلمانان سازگار است و نه با اهداف و الای آنان. مگر کسانی که به زندگی حیوان گونه رضایت دارند که اینان را نمی توان از زمره مسلمانان آگاه و تلاشگر برای بازپس گیری عزت و کرامت شان از چشم دشمنان شان دانست.

الله سبحانه وتعالی دو نمونه از حوادث پنداور را اندکی پیش از حوادث غزه و همزمان با آن برای ما نشان داد تا عبرتی باشد برای مردم در ۶ فبروی ۲۰۲۳م مناطق قهرمان و مرعش در ترکیه و سوریه به وسیله زلزله‌های مهیب تقریباً به طور کامل ویران شدند؛ صدها ساختمان مسکونی بر سر ساکنان‌شان فروریخت و قربانیان به صدها نفر رسیدند، به‌گونه‌ای که در سمت ترکیه شمار کشته‌ها ۴۴,۲۱۲ نفر و در سمت سوریه ۵,۹۱۴ نفر گزارش شد، که در مجموع بیش از پنجاه‌هزار کشته تنها در چند ثانیه به جا ماند! و دو شب پس از آن، در شب‌های ۱۰ و ۱۱ سپتامبر، فاجعه فروپاشی دو سد در منطقه درنه لیبی رخ داد که در پی طوفان «دانیال»، حدود ۳۰ میلیون مترمکعب آب به سمت خانه‌های مردم در مسیر رودخانه سرازیر شد و مرگ حدود ۴,۳۳۳ تن را به قتل رساند؛ رقمی که هنوز نهایی نشده است. ما از الله سبحانه وتعالی مسئلت داریم که بر همه آنان رحمت آورد.

بدین ترتیب درمی‌یابیم که انسان – چه به‌صورت فردی و چه جمعی – در هر لحظه در معرض مرگ از راه‌های گوناگون است. آنان که در زلزله جان باختند و آنان که در سیل ویرانگر غرق شدند، در میدان جنگ نبودند و سلاحی در برابر دشمنان خویش بلند نکرده بودند؛ بلکه در خواب و آرامش، در خیال روزی خوش برای فردای خود بودند. پس چرا یکباره چنین مردند؟ این همان مشیت الهی است؛ زیرا اوست که سرنوشت بندگان را هرگونه که خواهد و به هر شیوه‌ای که خواهد تدبیر می‌کند.

بنابراین، شمار بالای شهیدان ما در غزه نباید دلیلی شود تا مجاهدان آن‌جا را سرزنش کنیم که چرا دشمن را خوار و ذلیل کردند، همه خطوط دفاعی‌اش را در هم شکستند، اسیر گرفتند، شماری از سربازان ترسو و بزدل او را کشتند و پرده از رسوایی "دولتچه خوک‌ها" برداشتند؛ دولتی سست‌پایه که اگر خیانت و توطئه حکام سرزمین‌های اسلامی در این منطقه نبود، اساساً وجود نداشت و باقی نمی‌ماند. آنان که در غزه جان باختند، درست در همان لحظه‌ای مُردند که اجل‌شان توسط الله سبحانه وتعالی مقدر شده بود، نه زودتر و نه دیرتر؛ با این امتیاز که به دست دشمن بزدل و خیانت‌پیشه شهید شدند و شرافت شهادت یافتند.

اگر کسی بر کثرت شهدا ایراد بگیرد، باید بداند که ممکن بود، همین شمار انسان در زلزله‌های همانند زلزله ترکیه بمیرند یا در سونامی هولناکی غرق شوند؛ همانند سونامی چند سال پیش اندونزی که حدود ۲۲۷ هزار نفر را به کام مرگ کشاند. پس تعداد شهدا در غزه هیچ‌گاه دلیلی برای اعتراض به قضای الهی و تدبیر او در امور بندگان نیست. از این رو باید در این مصیبت بزرگ به درون خود بنگریم و بپرسیم: آیا من با فتنه غزه در آزمونم و در کنار آن ایستاده‌ام؟ یا در این فتنه شکست خورده‌ام، از آن کنارگیری کرده‌ام، مجاهدانش را سرزنش و کارهای‌شان را کوچک شمرده‌ام؟

«اللهم أرنا الحق حقاً وارزقنا اتباعه، وأرنا الباطل باطلاً وارزقنا اجتنابه»

ترجمه: بارالها! حق را به ما چنان که هست نشان بده و توفیق پیروی از آن را نصیب‌مان فرما و باطل را همان‌گونه که هست به ما بنمایان و توفیق دوری از آن را به ما عطا کن.

برگرفته از شماره 469 مجله الوعي مورخ: صفر 1447 هـ.ق. اگست 2025 م.
مترجم: محمد علی مظمن